

بسم ربنا الاقدس الاعزّ العلیّ الابهی - حمد محبوبی را لایق...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از آثار حضرت بهاء الله - آثار قلم اعلی - جلد ۳ (۱۶۳ بدیع)، لوح رقم (۳۵۱)، صفحه ۶۵۶ - ۶۴۹

بسم ربنا الاقدس الاعزّ العلیّ الابهی

حمد محبوبی را لایق و سزااست که لم یزل بوده و لا یزال خواهد بود هر ذی اسمی باسم او مفتخر و هر ذی شأنی بذکر او مشتهر نظر برحمت و واسعیه و عنایت سابقه خود را ظاهر فرمود و بر عالمیان بانوار وجهش تجلّی نمود و بکلمه مبارکه الملک لله الواحد الفرد العلیم الحکیم نطق فرمود اوست دانای یکتا و سلطان یفعل ما یشاء اوست مقصود عالمیان و محبوب آدمیان طوبی از برای نفوسی که باصغای ندایش فائز شدند و بافقیقش اقبال نمودند ایشانند عبادی که ذکر مقامات و وصفشان در فرقان و کتب قبل از قلم اعلی ثبت شده ایشانند آن نفوسی که در سبیل الهی خوف ایشان را اخذ ننماید و حزن وارد نشود ایشانند نفوسی که شتمات اعدا و استهزاء جهلا ایشانرا از افق اعلی منع نمود و اشارات امم و شئون عالم از استقامت بر امر مالک اسما محروم نساخت ایشانند لثالی بحر استقامت و جواهر وجود علیهم بهاء الله و بهاء من فی ملکوت الانشاء از حق میطلبم لازال آن نفوس را بطراز استقامت مزین فرماید چه که جز نفس حق از برای احدی عصمت کبری نبوده و نیست از حق سائل و آلم که این عباد را در ظلّ قباب عنایت خود حفظ فرماید و باستقامت در کلّ احوال مؤید نماید اوست مقتدری که منع نمود او را شیء انه هو الفرد المتعالی القویّ القدیر و بعد قد فاز الخادم باصغاء صریر قلمکم الذی ارتفع فی ذکر الله محبوبنا و محبوبکم و محبوب من فی السموات و الارضین الحمد لله مرّة بعد مرّة و کرّة بعد کرّة این عبد بمراسلات آن حبیب روحانی فائز شد و بعد از اطلاع بساحت امنع اقدس معروض گشت هذا ما انزله لسان الوحی فضلاً من عنده علیک قوله جلّ کبریائه یا کمال ملکوت بیان در کلّ احیان در اشراق و ظهور است بشأنی که شبه و مثل از برای او دیده نشده و نخواهد شد لازال صریر قلم اعلی مرتفع و مکلمّ طور ناطق نیکوست حال نفسی که اصغاء نمود و باستقامت تمام بر خدمت امر مالک انام قیام کرد عالم ظلمانی را بسراج عنایت رحمانی روشن نمودیم و لکن نفوس خائنه از این روشنی اجتناب نمودند تا اعمال نا شایسته ایشان مستور و انوار وجه را از افق اراده ظاهر فرمودیم و لکن کوران از او محروم ماندند بحر حیوان را در قطب امکان آشکار نمودیم و جمیع ربابان دالت کردیم بشأنی که مالک قدم و اسم اعظم بلسان مبارک بکلمه اسرعو اسرعو نطق فرمود و لکن نفوس ثقیله که حملشان سنگین بود از تقرّب بان ممنوع گشتند یا کمال مظلوم آفاق جمیع بلایا را حمل نمود و امر الله را اعلاء کرد بقوت و قدرتی که هر منصفی از آن متحیر مانده بکمه ان هذا الا فضل عظیم ناطق گشت مع ذلک اهل بیان بعلقه لایغنیه از طلعة احدیة محروم و از کلمه



ORIGINAL

جامعه الهیه ممنوع گشتند بنعیق قناعت نمودند و از صریر قلم اعلی اعراض کردند تفکر در جوهر بیان که از قلم مبشر جاری شده نمائید میفرماید و قد کتبت جوهره فی ذکره و هو انه لا یستشار باشارتی و لا بما ذکر فی البیان فی الحقیقه این کلمه مبارکه جوهر بیان و روح بیان است بشهادت نقطه اولی مع ذلک اهل بیان از منزل و مبعث محروم ماندند و بیانات نقطه اولی از برای خود ایمان ثابت مینمایند نشهد بانه یشهد بکفر هم و نفاقهم و اعراضهم و غفلتهم قل ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون حضرت مقصودی که نقطه بیان میفرماید او مقدس از اشاره من و ما نزل فی البیانست از او اعراض نموده اند و خود را از اهل بیان میشمردند یا کمال یوم یوم الله هست طوبی از برای نفسی که از دون او فارغ و آزاد شد اوست اهل بهاء و اصحاب سفینه حمراء یشهد بذلک مالک الاسماء فی هذا المقام المنیر انا انزلنا لک ما یفرح به قلبک و ارسلناه الیک لتقرء و تكون من الشاکرین و نکبر من هذا المقام علی وجوه احبائ الذین طاروا فی هواء حی و قاموا علی امری و نطقوا بذکری الجمیل ان شاء الله کلّ بغایت الهی فائز باشند جمیع نفوس موقنه مقدسه ذکرشان از قلم الهی جاری و در کتاب ثبت شده طوبی لهم ثم طوبی لهم جمیع را بغایت مخصوصه الهی بشارت دهید و مسرور دارید امروز روز ظهور مقامات انسانست جهد نمائید تا از شما ظاهر شود آنچه لایق هست یا احبائی افرحوا باسمی و تمسکوا بحبل المتین الحمد لله رب العالمین انتهی از بیان حق جلّ و عزّ مقامات عنایت و الطاف نسبت بآن محبوب و دوستان الهی معلوم میشود هر منصفی متحیر میماندر آنچه مشاهده مینماید از عظمت فضل و جود و کرم و عنایت الهی آنچه اسامی در دستخط آنجناب بود تلقاء عرش عرض شد و مخصوص هر یک لوح امنع اقدس نازل و ارسال گشت انشاء الله بان فائز شوند و دوستان از حرارت محبت الهی بشائی مشتعل گردند که آثار آن ظاهر شود و لکن در هر حال باید بحکمت ناظر بود که مباد امری که رایحه فساد از او استنشاق شود ظاهر گردد ناس ضعیفند و حق جلّ کبریاؤه کریم سیف مدارا و بردباری احد از سیف بطش و غضب است طوبی لمن تمسک بالمعروف انه من الناصرین لدی الله ربنا و رب من فی السموات و الارضین الحمد لله مخصوص جناب نبیل قبل با و جناب اسم جواد علیهما بهاء الله الواح بدیع منیع نازل و همچنین مخصوص نفوسی که در دستخطهای ایشان مذکور بود و نظر بحکمت یک دسته بارض قاف ارسال شد که برسانند و یکی به حد با ان شاء الله برسد و بان فائز شوند عرض دیگر بعد از آنکه دستخطهای آنجناب که باین بنده مرقوم داشته بودند و در ساحت اقدس عرض شد در ظهر یک دستخط اسامی سه نفس مذکور بعد از عرض این آیات از ملکوت غنایت الهی نازل قوله عزّ کبریاؤه ،

هو الشاهد السميع یا محمد یدکرک المظلوم بما یقرّبک الی الله المهیمن القیوم دع العالم و تمسک بالاسم الاعظم الذی اتی من سماء البیان بسلطان مشهود لیس لاحد ان یحزن من الدنیا و ما ظهر فیها کذلک یدکر من عنده کتاب محفوظ یا احبائی ان افرحوا باسمی ثم انصروا ربکم الرحمن بالحکمة و البیان کذلک قضی الامر و لکن الناس هم لا یفقهون البهاء علی اهل البهاء الذین وفوا بميثاق الله مالک الغیب و الشهود ،

هو الاعزّ الاقدس الابهی ذکر من لدی البهاء لمن اقبل الی الافق الأعلى لتجذبه نفحات الذکر الی مقام لا یری فی الملک الا تجلیات انوار وجهه ربّه الکریم هذا یوم فیه ظهر ما انزله الرحمن فی الفرقان بقوله کلّ شیء هالک الا وجهه المنیر یا محمد قبل تقی یدکرک المظلوم من هذا المقام الذی یطوفه کل اسم عظیم تمسک بالعروة الوثقی و تشبث بذیل ربک العزیز الکریم انا ذکرنا الذین اقبلوا الی الله و نذکرهم فضلاً من لدنا ان ربک هو الفضل الغفور الرحیم ،

هو الاعظم الاقدم الابهي يا محمد قبل رضا ستفنى الدنيا و يبقى الملك لله مالک الرقاب أين صليل سيوف الاعداء و أين صهيل خيول الاقربا و أين جنّات الأمراء و أين خيام العظماء و أين صفوفهم و جهوزهم و اين قصورهم و شئونهم لعمر الله قد سكنوا في قبورهم و لكنّ الناس غفلوا عمّا ظهر في القرون الاولى بذلك مُنعوا عمّا ظهر من لدى الله ربّ الارباب طوبى لمن تفكّر في آثار قدرة الله و تمسّك بما نزل في الكتاب البهاء على اهل البهاء الذين تمسّكوا بحبل اليقين و نبذوا عن ورائهم الظنون و الاوهام انتهى فضل بمقامى است كه آنچه اسامى تلقاء وجه عرض شد حياً ميتاً از سماء مشيت لوح امنع اقدس مخصوص هريك نازل از دست و زبان كه بر آيد كز عهده شكرش بدر آيد روح العالم لفضله الفدا ان شاء الله دوستان حق در هر حين تفكّر نمايند و باستقامت تمام بر امرش قيام كنند اين كره الواح منيعه متعدده مخصوص آنجناب نازل يك لوح امنع اقدس مخصوص جناب نور عليه بهاء الله و همچنين مخصوص ورقه اهل عليها بهاء الله و ذكر ورقتين اختين عليهما بهاء الله هم از لسان مبارك ظاهر فرمودند ان شاء الله بعنايت الهى فائز باشند و از دريائى محبت قدح قدح بياشامند انّ الّتي فازت باللقاء انا ذكرناها في الزبر و الالواح ان شاء الله در ظلّ سدره عنايت الهى ساكن و مستريح باشند يا كمال كبر من قبلى عليهما و بشرهما برحمتى الّتي سبقت العالمين انتهى عرض ديگر بسيار محبوبست كه آن جناب سواد آنچه بان سمتها ميرسد بردارند و بكمال دقت مقابله نمايند و از براى بعضى از نفوس كه در دهات متفرّقند بفرستند تا نفحات بيان رحمن در كلّ احيان بين احباً متضوّع باشد عرض ديگر آنكه خدمت هريك از دوستان الهى كه از رحيق مختوم آشاميده اند و بافق اعلى ناظرند اين خادم فانى ذكر فنا و نيستى معروض ميدارد ان شاء الله باثمار سدره عنايت الهى در هر حين مرزوق باشند و همچنين خدمت منتسبين آن محبوب فرداً فرداً اين عبد فانى تكبير ابداع امنع اعلى ميرساند البهاء على حضرتكم و من معكم و على الذين فازوا بالاستقامة الكبرى على هذا الامر الاعظم العظيم خادم فى ٢٧ صفر سنه ٩٨